

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۱۱ اگست ۲۰۲۳



محمد محق

طالبان و ناآگهی به قلمرو حقوق و اخلاق

ممنوع ساختن فعالیت برای آرایشگاه‌های زنانه از سوی طالبان، یک بار دیگر گوشه‌هائی از تفکر بسته و انعطاف‌ناپذیر این گروه را به نمایش گذاشت و دنیا دید که مردم افغانستان با چه گروهی دست به گریبان هستند. برای بسیاری از ملت‌های دنیا قابل درک نیست که چرا زیبایی برای طالبان امری پسندیده نیست و چرا ضرورت مردم به داشتن شغل برای‌شان اهمیت ندارد و چرا از بیکاری هزاران انسان و آسیب اقتصادی ده هزار شهروند این جامعه هیچ نگرانی ندارند.

طالبان برای این اقدام خود به احادیث و روایت‌هائی استدلال می‌کنند که در کتاب‌های حدیث آمده و به پیامبر اسلام منسوب شده است. این روایت‌ها به لحاظ دسته‌بندی‌های فنی رایج در میان عالمان علم اصول فقه، که به نحوی فلسفه قانون‌گذاری در اسلام است، روایت‌های ظنی‌الثبوت گفته می‌شوند و نسبت آن‌ها به پیامبر اسلام به صورت قطعی ثابت نیست و همه اهل فن بر این موضوع اجماع دارند. محتوای این روایت‌ها معطوف به ناروا بودن شماری از آرایش‌ها برای زنان است و گفته شده است که سبب نفرین الهی خواهد شد.

در مورد چگونگی برخورد با چنین روایت‌هائی از دیرباز، حتا از نخستین سده‌ها در تاریخ اسلام، میان مذاهب و جریان‌های فکری مختلف مسلمان اختلاف نظر وجود داشته است. شماری آن‌ها را مبنای عمل دانسته و شماری دیگر فاقد اعتبار کافی برای ارتقاء به این سطح می‌دانند. اصل مورد اتفاق میان بزرگان مذاهب اسلامی این است که موضوعات اختلافی سبب گشایش و سهولت در سبک زیست مسلمانان است و به آنان انتخاب‌های بیشتری می‌دهد. اجبار مردم بر یک دیدگاه از میان چند دیدگاه مختلف، یا انتخاب یک تفسیر از میان چندین تفسیر و تحمیل آن بر حوزه عمومی، سبب ایجاد تنگنا و افزایش مشکلات برای جامعه خواهد بود و باید از آن خودداری کرد.

نکته مهم‌تر اما که به چشم‌انداز عصر نوین باز می‌گردد، تفکیک میان دو قلمرو اخلاق و حقوق است. در امور حقوقی که نفع و سود همگانی مبنای آن‌هاست، دولت و دستگاه‌های عمومی از طرق و مجاری قانونی وارد عمل می‌شوند تا

زیانی متوجه جامعه نگردد. در اموری که جنبه اخلاقی یا عرفی دارد، ولی متعلق به حوزه خصوصی است و متضمن سود و زیان همگانی نیست، دولت و دستگاه‌های عمومی بی‌طرفی اختیار می‌کنند و از دخالت در آن اجتناب می‌ورزند تا شهروندان خود دست به گزینش بزنند و آزادی‌های اساسی‌شان را به کار بگیرند. تفکیک قلمرو امور اخلاقی و امور حقوقی و واگذاری یکی به حوزه خصوصی شهروندان و دیگری به حوزه زیر نظارت و مدیریت دولت، یکی از عوامل اساسی ثبات در جوامع امروزی است.

گروه طالبان در اثر نادانی و ناآگاهی به این امور بدیهی، زندگی و کار را بر شهروندان دشوار می‌سازند و با دخالت در حوزه خصوصی زندگی آنان به دردهای بی‌پایانی که مردم افغانستان دارند، می‌افزایند. بدون نهادینه شدن تفکیک میان حوزه عمومی و حوزه خصوصی، اضطراب و آشفتگی دست از گریبان مردم برنخواهد داشت.